

در سایه تشدید بحران خاورمیانه، افزایش دستاوردهای اقتصادی – نظامی پکن روبه فزونی است؛

چین، برندهٔ پرده‌نشین جنگ ایران و آمریکا

رامین پرتو

جنگ در خاور میانه، در کنار خسارت‌های انسانی، نظامی، اقتصادی برای کشورهای در گیر، فرصتی برای چین فراهم کرده‌است تا بدون ورود مستقیم به میدان نبرد، از تحولات نظامی، اشغنگی بازار انرژی و تغییر مسیر مبادلات تجاری برای تقویت موقعیت خود بهره برد. پکن نه توانسته و نه لزوماً خواسته‌است نتیجه جنگ را تعیین کند؛ بااین حال، برخورداری از ظرفیت‌های اطلاعاتی، ذخایر راهبردی و روابط اقتصادی گسترده، امکان استفاده از بخشی از پیامدهای این بحران را برای آن فراهم کرده‌است.

اهمیت این وضعیت زمانی بیشتر می‌شود که منابع نظامی آمریکا تحت فشار قرار گرفته، اقتصاد ایران آسیب دیده و امنیت انتقال انرژی در منطقه با مخاطرات تازه‌ای روبه‌رو شده‌است. چین می‌کوشد میان حفظ مناسبات خود با تهران، مدیریت روابط با واشنگتن و حفاظت از منافع اقتصادی‌اش در کشورهای حوزه خلیج فارس توازن برقرار کند. بنابراین، توصیف پکن به‌عنوان برنده جنگ تنها زمانی دقیق است که میان فرصت‌های ایجادشده، دستاوردهای بالفعل و هز بنه‌های احتمالی آینده تمایز قائل شویم.

بهره برداری از میدان نبرد

یکی از مهم‌ترین ابعاد بهره‌مندی چین از جنگ، دسترسی به اطلاعاتی است که می‌تواند شناخت این کشور از شیوه عملیات، استقرار نیروها و الگوهای پشتیبانی نظامی آمریکا را افزایش دهد. تصاویر ماهواره‌ای تجاری امکان شناسایی هواپیماها، تأسیسات نظامی، تحرکات نیروها و خسارت ناشی از حملات را فراهم می‌کنند. بنابراین، داده‌هایی که ظاهر آکابر د تجاری دارند، ممکن است در محاسبات نظامی نیز ارزش قابل توجهی پیدا کنند.

این در حالیست که واشنگتن پیش تر سه شرکت چینی، شامل میزار ویژن، د اِرت آی و چانگ گوانگ فناوری

ماهواره‌ای، را به ارائه تصاویر یا اطلاعات قابل استفاده در پشتیبانی از فعالیت‌های نظامی ایران متهم و تحریم کرده بود. پکن این اتهامات را رد کرده و فعالیت شرکت‌های خود را قانونی دانسته‌است. ازاین‌رو، باید میان دسترسی ایران به تصاویر با منشأ چینی و اثبات تصمیم دولت چین برای پشتیبانی اطلاعاتی از حمله‌ای مشخص تفاوت قائل شد.

بااین حال، مشاهده نحوه استقرار نیروهای آمریکایی، الگوهای سوخت‌رسانی، جابه‌جایی تجهیزات و واکنش به حملات، می‌تواند شناختی عملیاتی از ظرفیت‌ها و محدودیت‌های نظامی آمریکا ایجاد کند. چنین شناختی برای برنامه‌ریزی دفاعی چین و بررسی سناریوهای احتمالی آینده، از جمله بحران پیرامون تایوان، ارزشمند است. جنگ همچنین فرصتی برای مشاهده عملکرد تسلیحات و سامانه‌های پشتیبانی آمریکا در شرایط واقعی فراهم می‌کند که البته این ماجرا نمی‌تواند به صورت کامل چین را به مقصد خود در قبال تسلیحات آمریکا برساند.

نفت، طلا و یوآن

دومین مسیر بهره برداری چین،

اقتصاد و تجارت است؛ حوزه‌ای که مزیت پکن در آن از مقیاس مصرف انرژی، توان مدیریت ذخایر و جایگاه این کشور در تجارت جهانی ناشی می‌شود. براساس اطلاعاتیه وزارت خزانه‌داری آمریکا در آوریل ۲۰۲۶، چین حدود ۹۰ درصد صادرات نفت ایران را خریداری می‌کند. باایستگاه‌های مستقل چینی، بااستفاده از نفت تخفیف‌دار ایران بخشی از نیاز خود را تأمین می‌کنند و به تهران امکان می‌دهند باوجود تحریم‌ها، خریدارانی برای نفت خود داشته باشد.

استفاده از یوآن در برخی معاملات نیز می‌تواند وابستگی طرف‌های تجاری به نظام مالی آمریکا را کاهش دهد، هرچند به معنای خروج تمام مبادلات نفتی دو کشور از نظام مالی جهانی نیست اما به هر ترتیب این موضوع می‌تواند برای چین یک گام مهم اقتصادی قلمداد شود



بخشی از این تجارت از طریق واسطه‌ها و نفتکش‌های موسوم به ناوگان سایه انجام می‌شود. استفاده از یوآن در برخی معاملات نیز می‌تواند وابستگی طرف‌های تجاری به نظام مالی آمریکا را کاهش دهد، هرچند به معنای خروج تمام مبادلات نفتی دو کشور از نظام مالی جهانی نیست.

با تشدید محاصره دریایی و اختلال در کشتیرانی مرتبط با ایران، این مزیت محدود شده‌است. گزارش روتترز در ششم اکتبر نشان داد پالایشگاه‌های مستقل چین برای تحویل در ماه‌های اکتبر و نوامبر، حدود ۱۵ تا ۲۰ میلیون بشکه نفت عراق و قطر خریداری کرده‌اند. این تغییر نشان می‌دهد چین برای حفظ جریان تأمین انرژی ناچار به تنوع‌بخشی بیشتر شده‌است؛ اقدامی که می‌تواند هزینه خرید، حمل‌ونقل و بیمه را افزایش دهد.

پکن پیش از جنگ نیز با انباشت نفت و متنوع‌سازی منابع تأمین، خود را برای مواجهه با شوک‌های بازار آماده کرده بود. طبق تحلیل روتترز در ژوئیه ۲۰۲۶، واردات نفت خام چین در ژوئن به حدود ۵.۹۶ میلیون بشکه در روز کاهش یافت؛ در حالی‌که این رقم پیش از جنگ ۱۰.۶۶

میلیون بشکه در روز بود. ذخایر موجود و محموله‌های در مسیر آسیا، امکان جذب بخشی از اختلال عرضه را فراهم کردند. بااین حال، ذخیره نفت خدام تضمین نمی‌کند که چین از کمبود فرآورده‌هایی مانند گازوئیل و سوخت هواپیما مصون بماند.

طلا نیز در راهبرد اقتصادی چین اهمیت یافته‌است. طبق داده‌های اداره دولتی آرز چین، بانک مرکزی این کشور در سپتامبر حدود ۲۳ تن طلا به ذخایر خود افزود؛ بیشترین خرید ماهانه آن در نزدیک به سه سال گذشته. واردات طلاي چین نیز در هشت ماه نخست سال ۲۰۲۶ از هزار تن گذشت و به ارزش ۱۵۸.۸ میلیارد دلار رسید؛ رقمی بالاتر از واردات ۸۸۶ تنی سال ۲۰۲۵.

این روند در شرایطی ادامه یافت که بهای طلا در سپتامبر بیش از هشت درصد افت کرد و به حدود ۴۱۷۶ دلار در هر اونس رسید؛ در حالی‌که در ژانویه از ۵۵۰۰ دلار عبور کرده بود. خرید طلا می‌تواند تلاشی برای حفظ ارزش دارایی‌ها و تنوع‌بخشی ذخایر باشد، اما به‌تنهایی ثابت نمی‌کند که تمام این خریدها واکنشی مستقیم به جنگ یا اقدامی هماهنگ برای حذف دلار است.

محاسبات واشنگتن

از نگاه ایالات متحده، بهره‌مندی چین از جنگ می‌تواند در سه سطح افزایش شناخت اطلاعاتی از نیروهای آمریکایی، استمرار خریدنفت ایران باوجود تحریم‌ها و گسترش شرایطی استفاده از یوآن در مبادلات تجاری نگران‌کننده باشد. در این چارچوب، واشنگتن ممکن است اقدامات شرکت‌های چینی را بخشی از رقابت گسترده‌تر فناوری، امنیت اقتصادی و مقابله با دور زدن تحریم‌ها ارزیابی کند.

تحریم شرکت‌های ماهواره‌ای چین نمونه‌ای از ابزارهای آمریکا برای محدود کردن دسترسی بازیگران رقیب به داده‌های حساس است. واشنگتن همچنین می‌تواند با افزایش نظارت بر شبکه‌های حمل‌ونقل نفت، هدف‌گیری واسطه‌ها و اعمال محدودیت‌های مالی، هزینه تجارت نفت ایران را برای خریداران افزایش دهد. بااین حال، چنین اقداماتی ممکن است هزینه تأمین انرژی را برای بازارهای دیگر نیز بالا ببرد و انگیزه توسعه سازوکارهای پرداخت جایگزین را تقویت کند.

چین می‌کوشد میان حفظ مناسبات خود با تهران، مدیریت روابط با واشنگتن و حفاظت از منافع اقتصادی‌اش در کشورهای حوزه خلیج فارس توازن برقرار کند و به این دلیل توصیف پکن به‌عنوان برنده جنگ تنها زمانی دقیق است که میان فرصت‌های ایجادشده، دستاوردهای بالفعل و هز بنه‌های احتمالی آینده تمایز قائل شویم

سناریوی نخست برای پکن، ادامه راهبرد کنونی یعنی پرهیز از مداخله نظامی، حفظ روابط اقتصادی با ایران، خرید انرژی از منابع متنوع و استفاده از ذخایر برای عبور از بحران است. سناریوی دوم، تشدید فشار آمریکا و محدودشدن دسترسی چین به نفت ایران، داده‌های ماهواره‌ای و شبکه‌های تجاری است؛ وضعیتی که ممکن است پکن را به عقب‌نشینی تاکتیکی با تقویت مسیرهای جایگزین سوق دهد.

سناریوی سوم، گسترش تنش‌های اقتصادی و فناوریانه میان دو قدرت است؛ مسیری که در آن اختلاف بر سر ایران به یکی از محورهای رقابت گسترده‌تر تبدیل می‌شود. چین ممکن است در چنین شرایطی تلاش برای افزایش ذخایر طلا، توسعه مبادلات غیردلاری و استقلال زنجیرهای تأمین را تسریع کند. بااین حال، تبدیل این روندها به نظمی جایگزین برای نظام مالی جهانی، فرایندی بلندمدت است.

در نهایت به نظر می‌رسد که چین از جنگ فرصت‌هایی اطلاعاتی، اقتصادی و دیپلماتیک به دست آورد، اما کنتیند کننده پیامدهای آن نیست. اگر اختلال در کشتیرانی طولانی شود، هزینه انرژی افزایش یابد یا واشنگتن فشارهای خود را تشدید کند، بخشی از منافع کنونی پکن می‌تواند به زیان تبدیل شود. برنده‌بویون چین، بنابراین، نتیجه‌ای قطعی نیست؛ بلکه به توانایی این کشور در مدیریت رقابت، حفظ مسیرهای تأمین و جلوگیری از تبدیل فرصت‌های کوتامدت به بحران‌های راهبردی بستگی دارد.

جهان نما

بر خور د منافع عربستان و امارات در دسر ساز شد؛ جنوب یمن، گره تازه روابط ریاض و ابوظبی

اختلافات عربستان و امارات بر سر آینده جنوب یمن

همچنان پابرجاست؛ ابوظبی خواهان سهم بیشتر در معادلات سیاسی و نظامی است و ریاض نگران تضعیف نفوذ

خود. هم‌زمان، شورای انتقالی جنوب یمن هم با نمایش

قدرت، در بنیال تثبیت جایگاه خود‌است.

با گذشت دو هفته از سفر معاون رئیس امارات به عربستان سعودی، شناسانه‌ای از حل اختلافات دو کشور بر سر یمن دیده نمی‌شود؛ ابوظبی خواستار در اختیار گرفتن مدیریت مناطق جنوبی و تضمین سهم خود در معادلات سیاسی و نظامی این کشور است، در حالی‌که ریاض بانگرانی از تضعیف موقعیت راهبردی خود، همچنان بر حفظ اهرم‌های نفوذش تاکید دارد.

روزنامه‌الخبار در گزارشی نوشت، به‌رغم سفر اخیر منصور بن زاید، معاون رئیس امارات به عربستان سعودی، تاکنون هیچ نشانه‌عملی از پیشرفت در حل اختلافات میان دو کشور مشاهده نشده‌است؛ این موضوع برخلاف انتظاراتی است که پیش‌بینی می‌کردند این سفر به حل‌وفصل اختلافات باقی‌مانده میان دو طرف، به‌ویژه در پرونده یمن، منجر شود. به نظر می‌رسد ریاض آمادگی پذیرش خواسته‌های ابوظبی را ندارد؛ خواسته‌هایی که بر واگذاری مدیریت پرونده استان‌های جنوب یمن به امارات متمرکز است. ابوظبی این مناطق را حوزه نفوذ و سهم سیاسی و نظامی خود می‌داند؛ سهمی که گفته این کشور، در ازای مشارکت پیشین آن به‌عنوان شریک دوم در ائتلاف عربی شکل گرفته‌است.

با این حال، عربستان سعودی این مطالبات را از زاویه‌ای راهبردی تر بررسی می‌کند و نگران است که پذیرش نفوذ امارات در جنوب، اهرم‌های باقی‌مانده ریاض در معادلات یمن را از میان ببرد و پیشرفتی مشابه در مناطق شمالی این کشور حاصل نشود.



با وجود شرایط دشواری که عربستان در یمن با آن مواجه است و نیز این کشور به استفاده از همه اهرم‌های موجود، دولت تحت امر آن در عدن، همچنان عیدروس الزبیدی، رئیس شورای انتقالی جنوب یمن مورد حمایت ابوظبی را به خیانت‌بزرگ متهم می‌کند. همچنین برخی فعالان سعودی افراد نزدیک به ریاض، امارات را به تبانی با دولت یمن در صنعا و هماهنگی میدانی با آن از طریق فرماندهان میدانی وابسته به شورای انتقالی جنوب متهم می‌کنند. در مقابل، امارات امکان ورود مستقیم به جنگ در کنار عربستان را ندارد؛ به‌ویژه آنکه قدرت‌های بزرگ بین‌المللی و منطقه‌ای به دلیل پیامدها و مخاطرات امنیتی و راهبردی چنین مداخله‌ای، تمایلی به درگیر شدن مستقیم در این جنگ ندارند. افزون بر این، اسرارات همچنان با پیامدهای جنگ رژیم صهیونیستی و آمریکا علیه ایران دست‌وپنجه نرم می‌کند و ورود به رویارویی دیگری با هز بنه‌های سنگین را به سود خود نمی‌داند.

از دیدگاه کارشناسان، تنها در صورتی ممکن است امارات تصمیم به مشارکت مستقیم در جنگ یمن بگیرد که آمریکا نیز وارد این جنگ شود و چارچوبی جامع برای آن در نظر گرفته شود که سهم ابوظبی از دستاوردهای احتمالی را تضمین کند.

این همان الگویی است که در سال ۲۰۲۱ رخ داد؛ زمانی که امارات به‌درخواست واشنگتن و برای دفاع از مآرب در برابر جنبش انصارالله به یمن بازگشت، در حالی‌که این کشور در سال ۲۰۱۹، رسماًخروج خود از جنگ را اعلام کرده بود. بااین حال، اگر تأسیسات حیاتی امارات هدف حملات نیروهای مسلح یمن قرار نمی‌گرفت و این حملات به تهدیدی مستقیم علیه امنیت و رشد اقتصادی این کشور تبدیل نمی‌شد، ابوظبی نیز بار دیگر در نبرد مشارکت نمی‌کرد.

در ادامه گزارش آمده‌است که مواضع رسانه‌های اماراتی و بسترهای رسانه‌ای جنوب یمن نزدیک به ابوظبی نشان می‌دهد که امارات هنوز از پیامدهای آنچه «تحقیر شدید» از سوی عربستان در پایان سال گذشته می‌داند، عبور نکرده‌است، و یودادی که به‌اخراج اجباری این کشور از استان‌های جنوبی یمن انجامید.

بسیاری از فعالان و سیاستمداران جنوب یمن نیز پنهان نمی‌کنند که از ناامی‌های ریاض، چه در مدیریت عملیات نظامی و چه در حفاظت از تأسیسات حیاتی، خرسند هستند.

برای نمونه، صلاح بن لغبر، نویسنده و فعال نزدیک به شورای انتقالی جنوب که در ابوظبی اقامت دارد، در پیامی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت که هرچه نوشته‌های کارشناسان سعودی، از جمله روزنامه نگاران، روشنفکران و استادان دانشگاه را بیشتر می‌خواند، دلایل ناامی‌های پی‌درپی عربستان را بهتر درک می‌کند. او این ناامی‌ها را به آنچه «ناآگاهی شگفت‌آور از یمن، سرزمین مردم، تاریخ و جامعه‌ان، در کنار سطحی‌نگری در تفکر» خواند، نسبت داد. از سوی دیگر، با وجود آنکه نیروهای موسوم به «العمالقه» از نظر نیروی انسانی عمدتاً از نظامیان سلفی جنوب یمن، به‌ویژه از استان لحج، تشکیل شده‌اند، گفتمان شورای انتقالی جنوب در مقایسه با مواضع پیشین، در تعیین شروط مشارکت در عملیات نظامی سخت‌گیرانه‌تر شده‌است. این شورا امتحان‌کن ت نیروهایش را به دفاع از جنوب و آرام‌سازی به آن مشروط می‌کند و با اعزام نظامیان اهل جنوب یمن به نبردهای شمال بدون دریافت امتیاز متقابل، مخالفت دارد. عیدروس الزبیدی در گفت‌وگو با شبکه اسکای نیوز عربی مدعی شده‌است که نیروهای جنوب یمن کنترل مناطقی در المضارب، بابل‌المعبر و جزیره میون را دوباره به دست گرفته‌اند.

با ایلنا همراه شوید

خبرگزاری کار ایران «ایلنا»

خبر

روتترز:

لوپن و ملاتشون به دور دوم انتخابات فرانسه راه می‌یابند



خبرگزاری روتترز نوشت که بر اساس آخرین نظرسنجی، مارین لو پن، رهبر راست افراطی فرانسه و رقیب چپ افراطی‌اش، ژان لوک ملاتشون، اختلاف خود را با سایر نامزدها افزایش داده و در دور دوم انتخابات با یکدیگر روبرو خواهند شد. نتایج نظرسنجی جدید موسسه تولونا هریس اینترکتیو که بین ۵ تا ۱۸ اکتبر ۱۳ تا ۱۶ مهر) انجام شد، لو پن در سناریوهای مختلف بین ۳۵ تا ۳۷ درصد آرایه دست خواهد آورد و در دور اول پیشتاز خواهد بود. نظرسنجی مشابه ماه گذشته میلادی نشان داده

نخست وزیر انگلیس: روسیه مقصر وقوع بریزگیت است



اندی برنهام، نخست‌وزیر جدید انگلیس که ژوئیه گذشته جانشین کر استارمر در این سمت شده در گفت‌وگو با یادکست The Rest Is Politics ادعا کرد: «هن در بدو ورود به دفتر نخست‌وزیری این برهادر داشت روسیه کرد که آ یادخالتی از سوی روسیه در مقامات دولت همچنین اقدام به قطع اینترنت و تلغف همراه در این ایالت تاطلاع بعدی کرد»

پاکستان به طالبان افغانستان: صبر ما حد و اندازه دارد!



می‌دهد؛ اتهامی که طالبان رد کرده و بر گفت‌وگو و دیپلماسی تأکید دارد. این اختلاف‌ها همچنین روابط دو طرف را بر تنش نگه داشته‌است. در مقابل، ذبیح‌الله مجاهد، سخنگوی طالبان در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: مقصر دانستن افغانستان از سوی مقام‌های پاکستانی در قبال ناامی‌های خود، راه‌حل هیچ مشکلی نیست. مشکلات سیاسی، امنیتی، اجتماعی و اقتصادی در پاکستان نگران‌کننده‌است و بر تمام منطقه تأثیرات منفی دارد. وی تأکید کرد: اتهام‌زنی‌های بی‌اساس از سوی مقام‌های پاکستانی، تخریب روند مذاکرات و تمرکز مقام‌های بلند پایه بر پروپاگاندا علیه

آصف‌علی زرداری، رئیس‌جمهور پاکستان گفت صبر و خویشتن‌داری اسلام‌آباد نباید نشانه ضعف دانست، بلکه این صبر اسلام‌آباد حد و اندازه دارد. او همچنین از حکومت سرپرست طالبان در افغانستان خواست در سیاست‌های بازنگری کند به گفته او پاکستان توان اقدام علیه گروه‌های مسلح را دارد. از این همدار در حالی مطرح می‌شود که تنش‌های امنیتی میان دو طرف دیوار گرفته‌است. اسلام‌آباد هیات حاکمه طالبان افغانستان را متهم می‌کند که به گروه‌های مسلح ضد پاکستانی، به‌ویژه تحریک طالبان پاکستان، اجازه فعالیت از خاک افغانستان

شمار کشته‌شدگان خشونت‌ها در هند به ۹ نفر رسید



خوشتنداری همه، از مقامات خواست اقدامات فوری و لازم‌را برای برقراری صلح و نظم انجام دهند. مقامات امنیتی هند برای کنترل اوضاع، نیروهای کمکی بیشتری را به مناطق کانگوکی و کامچونگ اعزام کرده‌اند. روزنامه دیلی وادا بنگلادش نیز گزارش داد: در جریان این خشونت‌های قبیله‌ای، علاوه بر کشته شدن ۹ نفر، ۱۴ خانه به‌آتش کشیده شد. پلیس اعلام کرد:

دور جدید خشونت‌ها با کشته شدن یک زن ۲۲ ساله که جمعه شب توسط افراد مسلح ناشناس در منطقه کامچونگ به‌ضرب گلوله کشته شد، آغاز شد. قتل این زن باعث تبادل آتش بین گروه‌های مسلح کوکی و ناگادش که تاحص شنبه ادامه داشت که موجب وحشت مردم در مناطق آسیب‌دیده شد. یونمام خمچاند سینگ، سر وزیر ایالت مانیپور، ضمن درخواست